

عنوان مقاله :

سایه بدعهدی ترامپ بر مذاکرت و توافق؛
هشدار و آماده باش کامل برای پیش بینی حمله قریب الوقوع

نویسنده:

محمود رشنواز

دانشجوی دکتری حقوق بین الملل ، واحد امارات، دانشگاه آزاد
اسلامی ، دبی، امارات

(عضو مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضایه)

۱۴۰۵/۰۳/۲۵

توافق

هشدار
آماده باش کامل
حمله قریب الوقوع

در فضای ملتهب و دشمن خیز خاورمیانه، هر ایرانی هوشیاری می‌داند که مذاکرات توافق و آتش‌بس موقت میان حکومت ایران و ایالات متحده آمریکا را هرگز نمی‌توان نشانه صلح یا حتی کاهش تنش دانست. این وقفه‌ی دیپلماتیک چیزی جز یک «فرصت تنفس تاکتیکی» برای دشمن صهیونیستی-آمریکایی نیست. در نگاه نخست، شاید برخی ساده‌اندیشان این توافق و مذاکرات را نشانه‌ای از ترس و واشنگتن از درگیری مستقیم تلقی کنند، اما بررسی واقعیات میدانی، آرایش تهاجمی نیروهای آمریکایی در منطقه، و رفتار وحشیانه‌ی رژیم صهیونیستی به روشنی ثابت می‌کند: این توافق و آتش‌بس پایان بحران نیست، بلکه شاید وقفه‌ای برای خون‌آشام کردن نیروها و تکمیل چیدمان قتل‌گاه است.

دیپلماسی آمریکایی؛ همان گرگ، همان لبخند

تجربه‌ی سیاه تاریخ معاصر نشان داده که سیاست خارجی آمریکا همواره بر پایه‌ی «فریب دیپلماتیک» و «اجبار نظامی» بنا شده است. واشنگتن از دیرباز در بحران‌های جهانی، همزمان دو ابزار را کنار هم می‌چیند: روی خوش مذاکره و چماق جنایت. در چنین شرایطی، مذاکره و توافق برای آمریکایی‌ها نه طلب صلح، که خرید زمان برای تکمیل پازل نبرد و جنایت‌های بعدی است. در این چند روز که پشت میز مذاکره نشسته‌اند، ماهواره‌های جاسوسی آنها اهداف را دقیق‌تر می‌بینند، سامانه‌های پدافندی در منطقه جابه‌جا می‌شوند، و ژنرال‌های جنایتکار سناریوهای ضربه اول را بازبینی می‌کنند.

گزارش‌های متعدد رسانه‌های غربی و عبری، سندی آشکار بر این مدعاست. رسانه‌هایی مثل رویترز، سی‌ان‌ان و یورونیوز بارها فاش کرده‌اند که ارتش آمریکا در حال آماده‌سازی برای عملیات چند هفته‌ای علیه ایران است. اسرائیل در سایه‌ی مذاکرات، بانک اهداف هسته‌ای و نظامی ایران را گسترش داده و سطح آماده‌باش خود را به بالاترین حد رسانده است. بررسی گزینه‌هایی فراتر از حملات هوایی، از جمله عملیات زمینی محدود علیه مراکز حساس، زیرساخت‌های راهبردی و تأسیسات موشکی، در دستور کار قرار دارد.

اندیشکده‌های معتبر جنگی مانند CSIS آمریکا، RUSI انگلیس و INSS رژیم صهیونیستی صریحاً اعلام کرده‌اند که تهدید نظامی معتبر باید همزمان با مذاکرات حفظ شود. این یعنی: مذاکره و توافق برای توهم صلح، و مشت‌گره‌کرده برای ضربه نهایی.

آتش‌بس موقت با توافق موقت

خود مفهوم آتش‌بس موقت با توافق موقت از نظر راهبردی، یک تاکتیک کلاسیک جنگی است. تجربه‌ی جنگ‌های تحمیلی و هشت سال دفاع مقدس به ما آموخت که دشمن بعضی هر آتش بسی را برای بازسازی قوا و حمله مجدد استفاده می‌کرد. تحلیل‌گران صهیونیست و غربی هم صراحتاً اعلام کرده‌اند: آتش‌بس و توافق فعلی دوره‌ای برای بازسازی توان موشکی، پهبادی و لجستیکی هر دو طرف است.

آمریکایی‌ها ادعا می‌کنند که ایران در این فرصت در حال بازیابی زرادخانه موشکی و پهبادی خود است - این همان بهانه‌ای است که بعداً برای توجیه حملات پیش‌دستانه‌ی جدید از آن استفاده خواهند کرد. این همان دیپلماسی دوجانبه‌ی آمریکاست: از یک سو مذاکره، از سوی دیگر افزایش تحریم، آرایش نظامی و جنایت سایبری.

آیا حمله‌ی پیش‌دستانه‌ی ایران بهترین تمهید است؟

از منظر یک انسان انقلابی و معتقد به «دفاع فعال»، پاسخ روشن است: در صورت قطعیت حمله‌ی قریب‌الوقوع دشمن، بله؛ حمله‌ی پیش‌دستانه نه فقط یک حق، که یک تکلیف است. البته اکنون که مذاکرات در حال تنظیم و ثبت می‌باشد، باید در حمله‌ی پیش‌دستانه کاملاً هوشیارانه و حساب شده فکر نمود و جای بررسی بیشتر خواهد داشت.

از دیدگاه حقوقی و فقهی، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (اصول ۱۱۰ و ۱۵۲) و آموزه‌های فقهی دفاع مشروع صراحتاً اشعار می‌دارند: اگر شواهد اطمینان‌آور از آرایش نظامی دشمن و قصد تجاوز وجود داشته باشد، زدن ضربه اول نه تجاوز، که دفاع مشروع و پیشگیرانه است. در حقوق بین‌الملل هم ماده‌ی ۵۱ منشور ملل متحد، حق دفاع مشروع را حتی در مواجهه با تهدید قریب‌الوقوع به رسمیت می‌شناسد.

حمله‌ی پیش‌دستانه تنها زمانی مجاز است که تهدید قطعی، قریب‌الوقوع و غیرقابل انکار باشد. در غیر این صورت، دشمن از آن بهانه‌ای برای ایجاد اجماع جهانی علیه ایران استفاده خواهد کرد.

ریسک‌های آتش زدن باروت به دست دشمن

آری، ایران اگر بی‌جهت آغازگر جنگ شناخته شود، ممکن است علاوه بر از دست دادن مشروعیت بین‌المللی، بهانه‌ای برای جنگ گسترده‌تر و حضور مستقیم ناتو در منطقه بدهد و حمایت سیاسی چین و روسیه از ایران کاهش یابد.

اما این ریسک‌ها به معنای عقب‌نشینی یا مماشات نیست. معنایش مدیریت هوشمند زمان و مکان نبرد است، مخصوصاً در حال حاضر که طرفین در حال نظم و ثبت توافق می‌باشند. دشمن امروز می‌خواهد ما را در زمان و مکانی که خود انتخاب کرده وارد جنگ کند؛ اما یک ایران واقعی اجازه نمی‌دهد دشمن زمان و میدان نبرد را تعیین کند.

ایران بر بقا پس از ضربه اول و پاسخ دوم کوبنده استوار است. ما برای شروع جنگ کلاسیک و متعارف با آمریکا برنامه نداریم، اما برای جنگ نامتقارن، فرسایشی و چندوجهی در مقابل تجاوزات بیگانگان کاملاً آماده‌ایم.

راهبرد A2/AD (منع دسترسی و انکار منطقه) در خلیج فارس ترکیبی از موشک‌های ضدکشتی، مین‌های دریایی، قایق‌های تندرو، زیردریایی‌ها، پهپادهای انتحاری و حملات اشباعی است - به گونه‌ای که هر جنگی را به جهنمی برای ناوگان آمریکایی تبدیل کند. همچنین با سامانه‌هایی مثل باور ۳۷۳، اس-۳۰۰، سوم خرداد و طبس، و انبارهای موشکی زیرزمینی که حتی بمب‌های شکاف‌شکن هم قابلیت یک‌باره نابود کردن آنها را ندارند.

میدان امروز، فقط میدان موشک نیست. میدان مذاکرات با تدبیر، اقتصاد، رسانه، عملیات سایبری، ترورهای هدفمند، جنگ اطلاعاتی و روانی است. ما هنوز تا قبل از اجرای مفاد توافق‌نامه و مذاکرات و آتش‌بس در جنگی تمام‌عیار با آمریکا و اسرائیل به سر می‌بریم؛ جنگی که گاهی شکل مذاکره، گاهی توافق به خود می‌گیرد، گاهی شکل عملیات شهادت‌طلبانه، و گاهی شکل گسترش توان موشکی و از دست ندادن حق و حقوق ملتمان.

چرا حمله‌ی زمینی گسترده‌ی دشمن به خاک ایران بعید است؟

بگذارید صریح و واضح بگوییم: آمریکا و اسرائیل به خوبی می‌دانند که اشغال زمینی ایران، خودکشی استراتژیک آنهاست. جغرافیای پهناور و کوهستانی ایران، بهشت کمین‌ها و جنگ چریکی است و عمق راهبردی و جمعیت ۹۰ میلیونی یعنی هیچ اشغال‌گری یک وجب از این خاک را بدون پرداخت بهای سنگین به دست نخواهد آورد. هزینه‌ی اقتصادی و سیاسی یک جنگ زمینی در ایران، کل نظام سرمایه‌داری جهان را به لرزه درآورده و موازنه‌ی قدرت جهانی را دگرگون می‌کند. خطر جنگ منطقه‌ای با محور مقاومت از لبنان و سوریه تا یمن و عراق، سناریویی است که کاخ سفید را به وحشت انداخته است به همین دلیل، دشمن بیشتر روی حملات هوایی گسترده، عملیات ویژه‌ی محدود، جنگ سایبری، ترور هسته‌ای و فشار حداکثری حساب باز کرده است، نه اشغال زمینی.

تحلیل حقوقی و قضائی و تطابق آن با قوانین جمهوری اسلامی ایران: مذاکره و توافق تا مرز خیانت

از منظر حقوقی و قضایی جمهوری اسلامی ایران :

قانون اساسی (اصل ۱۵۲): نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری. یعنی اگر مذاکره به معنای عقب‌نشینی از حقوق هسته‌ای یا موشکی باشد، حرام شرعی و قانونی است.

ماده‌ی ۵۰۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات): هرگونه همکاری با دول متخاصم علیه ایران، جرم و مستوجب حبس تعزیری ۱ تا ۱۰ سال است. اگر در زمان مذاکره و توافق، اطلاعاتی به دشمن ارائه شود که در آرایش نظامی او - چه در حال و چه در آینده - علیه ایران مؤثر باشد، مصداق جاسوسی و خیانت است.

ماده ۲۸۶ (افساد فی الارض): اگر کسی یا گروهی زمینه‌ساز ناامنی یا خسارت عمده به تمامیت ارضی شود (مثلاً با تحلیل‌های نادرست، فضاسازی رسانه‌ای علیه توان نظامی، یا القای ناامیدی از پیروزی)، مجازاتش اعدام است.

اصل ۱۱۰ قانون اساسی (بند ۴ و ۵): اعلام جنگ و صلح و بسیج نیروها تنها در اختیار رهبری و با تأیید شورای عالی امنیت ملی است. هیچ مقام اجرایی یا نظامی مستقلاً حق عقب‌نشینی یا آغاز نبرد را ندارد.

اگر در روند مذاکرات و توافق مشخص شود که طرف مقابل در حال فریب ایران و آماده‌سازی حمله است، اعتبار حقوقی هرگونه توافق موقت فوراً ساقط شده و وضعیت به «دفاع واجب و تکلیف شرعی برای مقابله به مثل» تغییر می‌کند.

ای ملت هوشیار ایران!

ای مسئولان و فرماندهان!

مذاکرات و توافقات فعلی را نباید جز «نفس‌نفس زدن دشمن پس از کتک خوردن» تعبیر کرد. آمریکا و اسرائیل بعد از طوفان الاقصی و شکست‌های پی‌درپی در اوکراین و محور مقاومت و توان مقاومت و بازدارندگی و پاسخگویی قاطع جمهوری اسلامی ایران، امروز بیش از هر زمان دیگری از جنگ تمام‌عیار می‌ترسند؛ اما از روی ناچاری به مذاکره و توافق تن می‌دهند، نه از روی صلح‌طلبی.

بنابراین چشم‌هایمان را باید باز کنیم:

هر موشکی که امروز شلیک نمی‌شود، ما باید آماده‌ی شلیک فردایش باشیم.
هر مذاکره‌ای، هر توافقی که بدون پشتوانه‌ی توان و افزایش صنعت موشکی ما انجام شود، شکست خورده است.
هر کسی که صدای سازش و عقب‌نشینی و کوتاه آمدن از حق و حقوق ملت و خواسته‌هایمان سر دهد، یا جاهل است یا جاسوس.

ما معتقدیم حتی پس از توافق هم در جنگ ترکیبی و چندلایه با استکبار جهانی و رژیم کودکش صهیونیستی هستیم.
در این جنگ:

مذاکره و توافق می‌تواند هم تاکتیک دفاعی و هم استراتژی صلح با دریافت امتیازات باشد.
آتش‌بس، مذاکره و توافق فرصت بازسازی قواست، نه پایان درگیری، مگر بنبند توافق به نحوه‌ی تنظیم شده اجرا شود.
و حمله‌ی پیش‌دستانه در صورت قطعیت تهدید، افتخار و تدبیر هوشمندانه است، نه جنایت.
راه ما، راه حسین بن علی (ع) است: نه ذلت، نه سازش، نه عقب‌نشینی در برابر دشمن.
مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل، آماده‌باش برای نبرد نهایی.

والله إنا قادمون



Title :

The shadow of Trump's breach of promise over negotiations and agreements

Full alert and preparedness to anticipate the imminent attack

the writer:

Mahmoud Rashnavaz

Doctoral student of International Law, Emirates Branch, Islamic Azad University, Dubai, UAE

member of the center of lawyers, official experts and consultants of the judiciary

۲۰۲۶/۰۶/۱۵